

رسیدگی به تخلفات اداری در رویه قضایی دیوان عدالت اداری

دکتر محمد نکویی

1399

مقدمه

مطابق ماده 1 قانون رسیدگی به تخلفات اداری، به منظور رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در دستگاه‌های مشمول قانون مزبور، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری تشکیل می‌شوند. با توجه به صلاحیت‌ها و اختیارات این هیأت‌ها و تأثیر آرای آنها در حقوق و تکالیف کارمندان، نظارت بر آرای آنها از حیث رعایت قانون و الزامات رسیدگی به تخلفات اداری، امری ضروری است؛ همچنین، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، در رسیدگی به تخلفات کارمندان، باید الزامات پیش‌بینی شده در قانون رسیدگی به تخلفات اداری و دیگر قوانین و مقررات مربوطه را رعایت کنند؛ در غیر این صورت، آرای آنها توسط مراجع نظارتی نقض خواهد شد.

در قانون رسیدگی به تخلفات اداری، دیوان عدالت اداری و هیأت‌عالی نظارت بر رسیدگی به تخلفات اداری، به عنوان مراجع نظارت بر آرای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری پیش‌بینی شده‌اند. به موجب ماده ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در صورتی که متهم به آرای قطعی صادره توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری اعتراض داشته باشد؛ می‌تواند در مهلت مقرر قانونی، به دیوان عدالت اداری شکایت نماید.

در راستای صلاحیت‌ها و اختیارات دیوان عدالت اداری در حوزه رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، طبق بند 2 ماده 10 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب 1392، رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری منحصرأ از حیث نقض قوانین، در حوزه صلاحیت و اختیار دیوان عدالت اداری قرار گرفته است؛ همچنین، برابر بند 2 ماده 12 قانون دیوان عدالت اداری؛ صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آرای متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد، یکی از صلاحیت‌ها و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است که به موجب ماده 89 قانون دیوان، هرگاه در موارد مشابه، آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد؛ رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را ضمن تهیه و ارائه گزارش در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید. هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض و اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی اقدام می‌نماید. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است؛ همچنین، طبق ماده ۹۰ قانون مزبور، هرگاه در موضوع واحد، حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد؛ رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیأت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن را نسبت به موضوعات مشابه بنماید. چنانچه، هیأت عمومی؛ آرای صادر شده را صحیح تشخیص دهد؛ آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط، لازم‌الاتباع است.

با توجه به کثرت و پراکندگی آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تدوین متن کامل آنها در حوزه تخلفات اداری، همراه با ارائه تحلیلی مختصر در موارد لزوم، می‌تواند دسترسی آسان دست‌اندرکاران امر رسیدگی به تخلفات اداری به آنها را در پی داشته باشد تا با مدنظر قرار دادن آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رسیدگی و صدور رأی، آرای مراجع مذکور کمتر در معرض نقض توسط دیوان عدالت اداری قرار گیرد.

با توجه به لازم‌الاتباع بودن آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط از جمله هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت در موارد مشابه، به موجب ماده 89 قانون دیوان عدالت اداری، در این کتاب آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در حوزه رسیدگی به تخلفات اداری، از سایت دیوان عدالت اداری و کتاب مجموعه موضوعی آرای وحدت‌رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در حوزه اداری، استخدامی و فرهنگی دیوان عدالت اداری استخراج و تدوین گردیده است.

برای دستیابی ساده‌تر به آرای هیأت عمومی، کتاب بر اساس ساختار قانون رسیدگی به تخلفات اداری در چهار فصل تنظیم و در ذیل هر فصل، آرای مربوط به فصول چهارگانه و مواد آن به ترتیب تاریخ صدور همراه با توضیحات ضروری درج شده است و مراجعه‌کننده می‌تواند با مراجعه به هر فصل، آرای مرتبط و مورد نظر را با آن فصل و مواد ذیل را پیدا کند.

علاوه بر آن، در این مجموعه، سایر نظرها و آراء و مواد قانونی مورد استناد و مرتبط با قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در ذیل متن آنها مورد اشاره قرار گرفته است و در پایان نیز قانون رسیدگی به تخلفات اداری، آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری و آیین‌نامه هیأت‌عالی نظارت، ضمیمه گردیده است تا ضمن راهنمایی، مراجعه‌کننده نیازمند رجوع به سایر منابع و متون قانونی نباشد.

فصل اول

تشکیلات و حدود وظایف

گفتار اول - صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

۱- در پایان دوره آزمایشی، مستخدم آزمایشی در حکم مستخدم رسمی قطعی تلقی شده و برفرض تخلف و عدم صلاحیت ادامه خدمت مستخدم، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، صالح به رسیدگی می‌باشند.

شماره دادنامه: 243/69 تاریخ: ۱۳۶۹/۱۲/۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاک: مدیرکل کارگزینی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب دوم و هفدهم دیوان عدالت اداری

رای هیأت عمومی

نظر به اینکه مستفاد از مدلول مواد 18^۱ و 19^۱ و 20 قانون استخدام کشوری^۲ مدت خدمت آزمایشی بیش از 2 سال نمی‌باشد و در پایان دوره مذکوره، مستخدم آزمایشی در حکم مستخدم رسمی، قطعی تلقی شده و هسته‌های گزینش پس از سپری‌شدن دوره مزبور،

¹ - ماده ۱۸ قانون استخدام کشوری: مدت خدمت آزمایشی داوطلبان ورود به استخدام رسمی توسط وزارتخانه یا موسسه استخدام‌کننده، تعیین می‌شود؛ ولی در هیچ مورد از شش ماه کمتر و از دو سال بیشتر نخواهد بود.

فارغ از رسیدگی بوده و بر فرض تخلف و عدم صلاحیت ادامه خدمت مستخدم، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، صالح به رسیدگی می‌باشند و دادنامه شماره 395 مورخ 68/6/9 شعبه دوم دیوان عدالت اداری که بر این مبنا صادر شده، موافق اصول و موازین قانونی می‌باشد. این رأی به موجب قسمت اخیر ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری در موارد مشابه برای شعب دیوان، و سایر مراجع مربوطه، لازم‌الاتباع است.

گفتار دوم - اصول حاکم بر رسیدگی و صدور رأی توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

1- عدم توجه به دلایل و مستندات و رعایت ارزش و اعتبار آنها در آراء صادره از موجبات نقض آراء هیأت‌ها است.

شماره دادنامه: 101/68 تاریخ: ۱۳۶۸/۱۰/۲۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم بتول جلیلی صفریان

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و هفتم دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

اصل ضرورت توجه به دلایل و مستندات و رعایت ارزش و اعتبار آنها در تصمیمات و آراء صادره از طرف مراجع مختلف قضایی و اداری از جمله اصول بدیهی رسیدگی و دادرسی است که مصرحات قانونی عدیده نیز در هر یک از مواضع مربوطه، مؤید آن می‌باشد. کما اینکه به صراحت ماده 45 قانون بازسازی نیروی انسانی مصوب 1360/7/5^۳، آراء هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر بازسازی باید موجه و متکی به دلایل و مدارک معتبر و مقنن باشد که عدم مراعات آن از مصادیق بارز عدول از اصول و قواعد آمره بوده و از موجبات نقض آراء هیأت‌ها به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، دادنامه شماره 186-63/2/30، شعبه اول دیوان، در حدی که مفید این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود مطابق قسمت آخر ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری، این رأی در موارد مشابه برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه، لازم‌الاتباع است.

1 - ماده ۱۹ قانون استخدام کشوری: افرادی که در دوره آزمایشی، لیاقت و کردانی و علاقه به کار از خود نشان دهند؛ در پایان دوره آزمایشی به موجب حکم وزارتخانه یا موسسه استخدام‌کننده و اطلاع سازمان امور اداری و استخدامی کشور در عداد مستخدمین رسمی منظور و از حقوق و مزایای قانونی آن برخوردار خواهند شد.

2 - ماده ۲۰ قانون استخدام کشوری: افرادی که در طی یا در پایان دوره آزمایشی، صالح برای ابقا در خدمت مورد نظر تشخیص داده نشوند؛ بدون هیچ‌گونه تعهد، حکم برکناری آنان از طرف وزارتخانه یا موسسه استخدام‌کننده صادر و جریان به سازمان امور اداری و استخدامی کشور اطلاع داده می‌شود.

3 - ماده 45 قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵: رأی هیأت‌های بدوی و

تجدیدنظر باید مدلل و موجه و مستند به مواد این قانون بوده و حاوی جرائم و خطاهای منتسب به مستخدم باشد.

۲- آراء صادره از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، باید مبتنی بر دلایل متقن و معتبر و ضوابط شرعی و قانونی باشد.

3- جرم محسوب نشدن عمل ارتكابی کارمند به موجب رأی صادره از هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، به معنی برائت است.

4- هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری موظفند پس از انجام تحقیقات لازم، موارد اتهامی را با منظور نمودن مهلت ده روز برای تدارک دفاع و تسلیم مدارک، به اطلاع متهم برسانند.

5- قانون رسیدگی به تخلفات اداری شامل مستخدمینی است که در قید حیات می‌باشند و رسیدگی به اتهامات مستخدمین متوفی خلاف موازین قانونی و منطبق قضایی است.

6- نگارش گردش کار قبل یا بعد از متن رأی تأثیری در مفاد آراء ندارد.

7- مراد از ابلاغ رأی هیأت، تسلیم نسخه‌ای از آن به محکوم‌علیه بر اساس قانون آیین دادرسی مدنی در باب ابلاغ است (تبصره ۲ ماده ۴ قانون).

فصل دوم

تخلفات اداری

گفتار اول - زمان و مکان وقوع تخلف (ماده 8 قانون)

1- ارتكاب اعمال خلاف شئون و شعائر اسلامی به عنوان یک تخلف اداری، مقید و محدود به محل و محیط و ساعات کار اداری نیست و می‌تواند واجد عنوان جرم جزایی نیز باشد.

دادنامه شماره ۵۲۴ تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: وزارت جهاد کشاورزی

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب 14 و 17 بدوی و 4 و 7 تجدیدنظر.

رأی هیأت عمومی

اولاً با توجه به محتویات پرونده‌های فوق‌الذکر و دادنامه‌های صادره، وجود تناقض بین آراء شعب سوم بدوی و چهارم تجدیدنظر با آراء شعب 14 بدوی و هفتم تجدیدنظر محرز است؛ ثانیاً ارتكاب اعمال خلاف شئون و شعائر اسلامی موضوع بند 21 ماده 8 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372 /۹/۷ با توجه به اطلاق حکم مزبور مقید و محدود به محل و محیط و ساعات کار اداری نیست و به صراحت ماده 19 آن قانون نیز هرگاه خطای اداری واجد عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی باشد؛ هیأت رسیدگی

به تخلفات اداری ذیصلاح مکلف است به تخلف مستخدم خاطی رسیدگی و رأی مقتضی صادر و مراتب را جهت رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی ذیصلاح اعلام نماید؛ بنابراین، دادنامه شماره 1159 مورخ 1379/6/17 شعبه سوم بدوی دیوان مبنی بر رد اعتراض شاکی نسبت به رأی قطعی هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری که به موجب دادنامه شماره 455 مورخ 1381/3/2 شعبه چهارم تجدیدنظر دیوان تایید شده، در حدی که متضمن مراتب فوق الذکر است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می شود. این رأی به استناد بند 2 ماده 19 و ماده 43 قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

گفتار دوم - آرای مرتبط با انواع تخلفات اداری

۱- اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری (بند ۱ ماده ۸).

1-1- بهره‌مندی از اطلاعات سازمانی و موقعیت اداری که منتهی به اعمال و رفتار خارج از شرح وظایف اداری و سازمانی شود، از مصادیق اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی و اداری محسوب می شود.

شماره دادنامه: ۱۷۸۶ تاریخ رأی: 1393 / ۱۱ / 26

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدباقر خانزاده

موضوع: ابطال بخشنامه شماره 1386/3/16-400/4/42031 معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران

رأی هیأت عمومی

الف: با توجه به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان قانون اساسی به موجب نامه شماره 93/102/1835-1393/6/2 اعلام کرده است که دستورالعمل شماره 400/4/42031-1386/3/16 بنیاد شهید و امور ایثارگران توسط فقهای شورای نگهبان، خلاف موازین شرع شناخته نشد؛ بنابراین با استناد به تبصره 2 ماده 84 و ماده 87 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال 1392، دستورالعمل مورد اعتراض از بُعد ادعای مغایرت با شرع مقدس اسلام، قابل ابطال تشخیص نمی شود. ب: نظر به اینکه اولاً: در دستورالعمل مورد اعتراض، ازدواج کارکنان مرد بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشخاص مؤنث موضوع دستورالعمل نهی نشده است و مقرر شده است که صرفاً با هماهنگی بنیاد صورت پذیرد و ثانیاً: مطابق بند 1 ماده 8 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب سال 1372، اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری از جمله مصادیق تخلفات اداری احصاء شده است و با توجه به رسالت و وظایفی که بنیاد شهید و امور ایثارگران در ارائه خدمات به خانواده‌های شهدا و جانبازان دارد، بهره‌مندی از اطلاعات سازمانی و موقعیت اداری که منتهی به اعمال و رفتار خارج از شرح وظایف اداری و سازمانی شود، از مصادیق اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی و اداری محسوب می شود؛ بنابراین، دستورالعمل مورد اعتراض، مغایر قانون به نظر نمی رسد و قابل ابطال تشخیص نمی شود.

۲- نقض قوانین و مقررات مربوط (بند ۲ ماده ۸).

1-2- ممنوعیت هرگونه همکاری با ستادهای تبلیغاتی کاندیداها به موجب بخشنامه مغایر ماده 59 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

3- سرپیچی از اجرای دستورهای مقامهای بالاتر در حدود وظایف اداری (بند ۱۳ ماده ۸)

1-3- عدم اطاعت از دستور قانونی مقام مافوق در قلمرو وظایف و تکالیف پست سازمانی مربوط است؛ ولی امتناع از تخلیه و تحویل خانه سازمانی از نوع وظایف و تکالیف شغل مورد تصدی مستخدم دولت محسوب نمی‌شود.

4- رعایت نکردن شئون و شعائر اسلامی (بند ۲۱ ماده ۸).

1-4- ارتکاب اعمال خلاف شئون و شعائر اسلامی به عنوان یک تخلف اداری، مقید و محدود به محل و محیط و ساعات کار اداری نیست و می‌تواند واجد عنوان جرم جزایی نیز باشد.

5- داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمت‌های آموزشی و تحقیقاتی (بند ۲۴ ماده ۸).

1-5- اشتغال کارمند در ساعات غیراداری در شرکت‌های تعاونی تحت نظارت سازمان مرکزی تعاون کشور منع قانونی ندارد.

6- هر نوع استفاده غیرمجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی (بند ۲۵ ماده ۸).

1-6- احداث درب به درون خانه معلم و تردد از آن و ایجاد مزاحمت برای خانه معلم توسط کارمند دولت از مصادیق تخلف اداری به شمار نمی‌رود.

7- دست بردن در سؤالات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سؤالات امتحانی یا تعویض آنها (بند ۲۷ ماده ۸)

1-7- تخلف افشاء سؤالات امتحانی موضوع بند 18 ماده 8 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مستلزم تحقق و اجتماع عناصر و ارکان آن است.

فصل سوم

مجازات‌ها

گفتار اول- آرای مربوط به کلیات مجازات‌های اداری

1- محروم کردن کارکنان از پاداشی که به منظور تشویق آنان تجویز شده است، به صرف محکومیت اداری جواز قانونی ندارد.

شماره دادنامه: ۵۷/۷۵ تاریخ دادنامه: ۱۳۷۵/۴/۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای اسماعیل حاجی خانی.

موضوع: لغو بخشنامه محرمانه ۴۲۱/م- ۷۳/۲/۲۱ وزیر امور اقتصادی و دارایی

رأی هیات عمومی

چون به حکم ماده ۲۱۷ قانون مالیات‌های مستقیم، هزینه یک درصد از وصول مالیات‌ها و جرایم در موارد خاص از جمله پرداخت پاداش به منظور تشویق کارکنانی که در امر وصول مالیات فعالیت موثر نمایند، تجویز شده است. محرومیت این قبیل کارکنان به صرف محکومیت اداری جواز قانونی ندارد و بدین جهت، بندهای ۱۹ و ۲۰ بخشنامه محرمانه شماره ۴۲۱/م- ۷۳/۲/۲۱ وزارت امور اقتصادی و دارایی به لحاظ عدم انطباق با هدف قانونگذار از حکم مقرر در ماده فوق‌الذکر مغایر ماده مزبور شناخته می‌شود، و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

2- در صورت انتفاء مواردی از تخلفات منتسبه به مستخدم در مرحله رسیدگی تجدیدنظر، تعیین مجازات متناسب ضروری است.

3- تسری مقررات قانون اصلاح ماده ۲ قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت نسبت به کسانی که قبل از تصویب قانون مزبور بازنشسته شده‌اند، جواز قانونی ندارد.

4- پرداخت پاداش پایان خدمت به هنگام بازنشستگی به طور کامل مشروط و مقید به عدم محکومیت انتظامی یا اداری مشمولین قانون مزبور در ده سال آخر خدمت است.

5- بخشنامه صادره در خصوص عدم پرداخت مزایایی که پرداخت آن منوط به اعلام رضایت از عملکرد کارمندان می‌باشد، مغایرتی با قانون ندارد و قابل ابطال نمی‌باشد.

6- رفع ابهام از واژگان «حقوق»، «گروه» و «حقوق مبنای» مذکور در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، موضوع بخشنامه ۱۵۱۲۸۴۴-۱۳۹۶/۸/۲۲ سازمان اداری و استخدامی^۱.

1- بخشنامه به کلیه دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری:

7- وجود یا فقدان سوءنیت صرفاً در تعیین نوع و میزان مجازات‌های یازده‌گانه مذکور در ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مؤثر هستند.

گفتار دوم - آرای مرتبط با انواع مجازات‌های اداری

1- انفصال موقت از یک ماه تا یک سال (بند د ماده 9).

1-1- به لحاظ تفاوت و تمایز ماهیت حقوقی انفصال از شغل با انفصال از خدمت، انفصال از یک شغل معین و مشخص مستلزم انفصال از خدمت و قطع رابطه استخدامی با واحد دولتی نیست.

الف - شماره دادنامه: ۶۷۰/۸۶ تاریخ رأی: 1386/۸/8

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای حکمت‌اله مولوی

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب 7 و 8 دیوان

رأی هیأت عمومی

با توجه به تعاریف واژه‌های شغل و خدمت به شرح مندرج در مقررات استخدامی و اینکه خدمت در معنی و مفهوم عام کلمه، مفید وجود رابطه استخدامی با یکی از واحدهای دولتی و اینکه مراد از شغل، مجموعه وظایف و مسئولیت‌های مرتبط و همگون یک پست

به استناد بندهای «4» و «5» ردیف (ب) ماده «116» قانون مدیریت خدمات کشوری، نحوه اجرای مجازات‌های موضوع بندهای «ج»، «ز»، «ط» و «ح» ماده «9» قانون رسیدگی به تخلفات اداری که در جلسه مورخ 1396/8/1 شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی مطرح و به شرح ذیل اتخاذ تصمیم گردیده است، جهت اقدام لازم ابلاغ می‌گردد:

1- در مورد مجازات موضوع بند «ج» ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری:

از آنجایی که «حقوق» و «فوق‌العاده شغل» در قانون مدیریت خدمات کشوری نیز با همین عناوین ذکر گردیده؛ بنابراین، ابهامی وجود نداشته و مبنای عمل «حق شغل، حق شاغل و فوق‌العاده شغل» قرار گیرد.

2- در مورد مجازات موضوع بندهای «ز و ط» ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری:

به جای «گروه»، «طبقه شغلی» محاسبه شود.

3- در مورد مجازات موضوع بند «ح» ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری:

مصوبه مورخ 1392/9/27 شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی به شرح زیر اصلاح گردید:

به جای «حقوق مبنا»، «حق شغل» موضوع ماده (65) قانون مدیریت خدمات کشوری منظور شود.

ثابت سازمانی در مجموعه سازمان تفصیلی واحد دولتی و یکی از اجزاء آن می‌باشد و بر اساس وجوه تمایز و افتراق فوق‌الذکر، قانونگذار در احکام مختلف انفصال از خدمت و انفصال از شغل را مجزی و مستقل از یکدیگر مورد حکم قرار داده است و نتیجتاً انفصال از یک شغل معین و مشخص، مستلزم انفصال از خدمت و قطع رابطه استخدامی با واحد دولتی نمی‌باشد؛ بنابراین، دادنامه شماره 120 مورخ 1372/3/10 شعبه هشتم در حدی که مبین این معنی است، صحیح و موافق قانون تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند 2 ماده 19 و ماده 43 قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ب- شماره دادنامه: 413 تاریخ دادنامه: 1382/10/21

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای کریم رسولی راد

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرا صادره از شعب 14 و 18 دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه شاکیان هر دو پرونده به حکم قطعی مراجع قضایی به انفصال از شغل محکوم شده‌اند و به لحاظ تفاوت و تمایز ماهیت حقوقی، انفصال از شغل با انفصال از خدمت، مراجع ذی‌صلاح محکومیت کیفری آنان را از مصادیق انفصال از خدمت ندانسته‌اند و قلمرو احکام کیفری مذکور را منحصر در حد انفصال از شغل مورد تصدی اعلام داشته‌اند. با عنایت به اعتبار احکام قطعی مراجع قضایی مزبور و لزوم تبعیت از آنها در مقام اجرای احکام قطعی، دادنامه شماره 947 مورخ 74/9/19 شعبه هجدهم بدوی از جهت اینکه متضمن این معنی می‌باشد، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود.

2- تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال (بند هـ ماده 9).

1-2- در صورت تغییر جغرافیایی محل خدمت مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری، به آنها باید هزینه سفر و هزینه نقل مکان پرداخت شود.

2-2- اعمال اختیار مدیریت در جهت تغییر محل خدمت مستخدم متخلف به منظور تنبیه او با عنایت به محدودیت اختیارات مدیریت در اعمال مجازات‌های اداری به شرح ماده 12 قانون مذکور، وجاهت قانونی ندارد.

3-2- تعیین محل خدمت کارمندان رسمی به عهده دستگاه و منصرف از تغییر محل جغرافیایی خدمت می‌باشد و تغییر محل جغرافیایی خدمت از جمله مجازات‌های اداری است که در فرض ارتکاب یکی از تخلفات اداری، تحت شرایط و ضوابطی قابل اعمال خواهد بود.

4-2- تغییر بعدی محل خدمت و شغل مورد تصدی کارمند توسط دولت و بدون ارتکاب تخلف اداری و یا رضایت مستخدم برای دستگاه اجرایی مجاز نیست.

5-2- تغییر جغرافیایی محل خدمت کارمندان از حیث مقتضیات و مصالح اداری از اختیارات مدیریت متبوع تلقی و مغایرتی با مقررات قانونی ندارد.

6-2- تغییر شغل و تغییر محل جغرافیایی خدمت کارمند، مشروط به عدم تنزل طبقه و رتبه شغلی و صرفاً مبنی بر مقتضیات و مصالح اداری با تشخیص مدیریت متبوع مستخدم، مغایرتی با مواد 9 و 12 قانون رسیدگی به تخلفات اداری و سایر قوانین ندارد.

7-2- جابه‌جایی محل خدمت مستخدم در سطح یک شهرستان نیازی به اخذ موافقت و تمایل مستخدم ندارد.

8-2- ممنوعیت کلی به‌کارگیری کارمندی که دوران محکومیت خود را مطابق آراء صادره از مراجع قضایی یا هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری سپری کرده‌اند، نوعی مجازات تلقی می‌شود که نیاز به اذن مقنن یا مقام مآذون از قبل وی دارد.

9-2- پیش‌بینی لزوم اخذ موافقت مستخدم در صورت تغییر محل جغرافیایی خدمت به شهرستان دیگر قابل ابطال نیست.

3- تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون (بند و ماده 9 قانون).

1-3- تنزل مقام مستخدم رسمی دولت در مقام اعمال مجازات اداری در مورد او توسط یکی از مقامات مذکور در ماده 12 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مجوز قانونی ندارد.

2-3- شناسایی مجازات تنزل مقام به عنوان مجازات اداری موضوع ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری نافی اختیارات مدیریت در تغییر پست ثابت سازمانی کارمندان براساس ضوابط مربوط و مقتضیات اداری نیست.

3-3- اعمال مجازات تنزل مقام و نتیجتاً محرومیت ارتقاء شغل در تمام طول خدمت نیست و تعیین مدت در اعمال مجازات مذکور از طرف هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری منع قانونی ندارد.

4-3- اعمال مجازات تغییر و تنزل سمت کارمندان متخلف بر اساس تصمیم کمیسیون انتصابات و بدون صدور رأی قطعی از هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مغایر قانون است.

5-3- اعمال مجازات محکومیت اداری به محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس و مدیریتی درباره متصدیان مشاغل حساس و مدیریتی الزاماً مستلزم تغییر سمت و انتصاب آنان به مشاغل غیرحساس و غیرمدیریتی در دستگاه‌های دولتی است.

- 6-3- مقامات مصرح در ماده ۱۲ قانون اختیار اعمال مجازات‌های مقرر در بندهای الف-ب-ج-د ماده 9 را دارند؛ لکن تنزل مقام و گروه منحصرأ در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری قرار دارد.
- 7-3- الزام مدیریت دستگاه متبوع محل خدمت مستخدم به موافقت با انتصاب به پست سازمانی مورد تقاضای مستخدم بدون رعایت شرایط و ترتیبات مقرر در مواد مذکور فاقد وجاهت قانونی است.
- 4- باز خرید خدمت در صورت داشتن کمتر از 20 سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین زن و کمتر از 25 سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت 30 تا 45 روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیأت صادرکننده رأی (بند ح ماده 9 قانون).
- 1-4- در صورت تجویز باز خرید خدمت مستخدمین مازاد بر احتیاج، اعمال اختیار مذکور منوط به ارتکاب خطای اداری و طرح قضیه در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری و اتخاذ تصمیم هیأت مزبور نیست.
- 2-4- باز خرید خدمت نیروی انسانی مازاد منوط به ارتکاب تخلف اداری و صدور رأی از مراجع اختصاصی اداری نیست.
- 3-4- در بند (ح) ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری، باز خرید خدمت با پرداخت 30 تا 45 روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به تشخیص هیأت صادر کننده رأی اعمال می‌شود و در قانون مدیریت خدمات کشوری، حقوق مبنای جایگاهی ندارد.
- 5- بازنشستگی در صورت داشتن بیش از بیست سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین زن و بیش از 25 سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین مرد بر اساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه (بند ط ماده 9 قانون).
- 1-5- قطع حقوق بازنشستگی توسط سازمان بیمه و بازنشستگی ارتش در اجرای دستور مراجع قضایی ذی ربط، صحیح و موافق قانون است.
- 6- اخراج از دستگاه متبوع (بندی ماده 9 قانون)
- 1-6- صدور حکم برکناری از خدمت مستخدم به دلیل اعلام عدم صلاحیت وی توسط هیأت گزینش پس از انقضای مدت مقرر در قانون استخدام کشوری، وجاهت قانونی ندارد.
- 2-6- اعلام نظر هسته‌های گزینش پس از پایان دوره دو ساله آزمایشی وجاهت قانونی ندارد.
- 3-6- اخراج مستخدم پس از تثبیت حق تبدیل وضع او به مستخدم رسمی به لحاظ انقضای مدت خدمت، بدون محکومیت وی به یکی از مجازات‌های مؤثر در امر استخدام رسمی و با تمسک به اظهارنظر خارج از مهلت هسته گزینش جواز قانونی ندارد.

۷- انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون (بند ک ماده ۹ قانون)

۷-۱- با صدور حکم مبنی بر محکومیت شاکی به انفصال دائم از خدمات دولتی و تأیید حکم توسط دیوان عدالت اداری خواسته شاکی برای بازنشستگی و جاهت قانونی ندارد.

۷-۲- اعمال فرمان عفو مقام معظم رهبری با عنایت به موضوع آن جز از طریق اعاده مستخدمین محکوم به انفصال دائم از خدمت عملاً میسر نیست.

۷-۳- با صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت کیفری مستخدم دولت به انفصال دائم از خدمات دولتی در مراجع قضایی، رابطه استخدامی وی با واحد دولتی متبوع قطع می‌شود.

گفتار سوم - انتقال حق بیمه یا بازنشستگی (تبصره ۲ ماده ۹ قانون)

۱- تبصره ۲ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مشعر بر قابلیت پرداخت کسور بازنشستگی به مستخدمین مشمول آن تبصره مفید عدم قابلیت جواز انتقال آن از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی نیست.

شماره دادنامه: 180/76 تاریخ: ۱۳۸۶/۱۲/۱۶ 1376

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان تأمین اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۴ و ۸ دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

تبصره ۲ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۷/۹/۷۲ مشعر بر قابلیت پرداخت کسور بازنشستگی به مستخدمین مشمول آن تبصره، مفید عدم قابلیت جواز انتقال آن از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی دیگر در اجرای مقررات قانون نقل و انتقال حق بیمه و بازنشستگی مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی نیست؛ بنابراین، دادنامه شماره ۴۳۰ مورخ ۸/۵/۷۵ شعبه هشتم دیوان که متضمن این معنی است مطابق با قانون شناخته می‌شود. این رأی با استناد به قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۲- حق بیمه یا بازنشستگی اشخاص از یک صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی بدون محدودیت آثار قانونی مترتب بر سابقه خدمت قابل انتقال است.

گفتار چهارم - آراء مرتبط با سایر موضوعات فصل سوم قانون

1- ایراد سازمان بازرسی مبنی بر اینکه حق تجدیدنظرخواهی آن سازمان به دلیل وجود مصوبه هیأت عالی نظارت محدود شده، موضوعیت ندارد (ماده 10 قانون).

شماره دادنامه: 9709970906010328 تاریخ رأی: 97/10/11

مرجع رسیدگی: هیأت تخصصی استخدامی

شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تصمیم شماره 96/8/3-829 هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری موضوع نامه شماره: 1475361 - 96/8/6 در خصوص نحوه پاسخگویی به درخواست‌های سازمان بازرسی کل کشور

رأی هیأت تخصصی

پرونده در جلسه مورخ 1397/9/25 هیأت تخصصی استخدامی مطرح و پس از استماع گزارش تهیه‌شده از سوی عضو محترم قضایی هیأت، جناب آقای بشارتی‌فر، موضوع؛ مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با اکثریت بیش از سه، چهارم آراء؛ اعضاء هیأت، مقرر شد مورد شکایت¹ به دلایل زیر قابل ابطال تشخیص داده نشد.

با توجه به اینکه اولاً ماده 6 قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب سال 1393 که مقرر داشته سازمان مذکور در مواردی که به گزارش‌های آن سازمان در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی رسیدگی می‌شود؛ ظرف بیست روز در مراجع ذی‌ربط، حق تجدیدنظرخواهی دارد؛ به منزله آن است که این اختیار در مواردی قابل اعمال است که رأی صادره وفق قانون رسیدگی به تخلفات اداری قابلیت تجدیدنظرخواهی داشته باشد. ثانیاً مواد 22 و 24 قانون رسیدگی به تخلفات اداری، نحوه ابطال و اصلاح آراء قطعی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری را مشخص نموده و تشخیص این امر را بر عهده هیأت عالی نظارت قرار داده است؛ بنابراین، مصوبه جلسه شماره 829 مورخ 96/8/3 شورای عالی نظارت که مؤید همین امر می‌باشد، مغایرتی با قانون نداشته و قابل ابطال تشخیص داده نمی‌شود.

این رأی مستند به بند «ب» ماده 84 قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر و ظرف بیست روز پس از صدور، از سوی ده تن از قضات یا رئیس محترم دیوان عدالت اداری قابل اعتراض می‌باشد.

² - تصمیم شماره 96/8/3-829 هیأت عالی نظارت بر هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری موضوع نامه شماره : 1475361 - 96/8/6 درخصوص نحوه پاسخگویی به درخواست‌های سازمان بازرسی کل کشور: به منظور حسن اجرای قسمت اخیر ماده (6) قانون اصلاح قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مقرر شد: کلیه درخواست‌های سازمان بازرسی کل کشور برای نماینده وزیر (رئیس سازمان) و مسئول هماهنگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه مربوطه ارسال خواهد شد. مسئول هماهنگی، حسب مورد؛ درخواست‌های مربوط به آراء قابل تجدیدنظر را به هیأت تجدیدنظر جهت رسیدگی ارسال و آراء قطعی (اعم از آراء هیأت‌های بدوی یا تجدیدنظر) را به همراه نظر هیأت صادرکننده رأی و نظر خود، با اصل پرونده جهت تعیین و تکلیف به هیأت عالی نظارت ارسال خواهد نمود.

توضیحات

1- به موجب ماده 6 قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، گزارش‌های سازمان در مراجع قضایی و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی، خارج از نوبت و حداکثر ظرف مدت سه ماه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. چنانچه رسیدگی به پرونده‌ها بیش از مدت معین نیاز به وقت داشته باشد؛ مراجع مذکور باید جهات و دلایل آن را در پرونده درج و تصریح نمایند. آرای صادره مراجع قضایی با درخواست سازمان بازرسی کل کشور و موافقت دادستان ذی‌ربط و آرای صادره هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی با درخواست سازمان مذکور در مراجع ذی‌صلاح، ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر بوده و این رسیدگی نیز خارج از نوبت خواهد بود؛ لکن، سازمان مزبور صرفاً نسبت به پرونده‌هایی که در مورد آن گزارش داده است؛ حق تجدیدنظرخواهی دارد و این حق صرفاً شامل آرائی است که غیرقطعی می‌باشد¹.

2- آرای براءت نسبت به شاکی، قطعی است؛ لکن در خصوص آرای مذکور از ناحیه سازمان بازرسی کل کشور طبق نص قسمت اول ماده 6 قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب 1393 صرفاً نسبت به پرونده‌هایی که سازمان مذکور در مورد آن، گزارش داده است، قابل تجدیدنظر می‌باشد².

2- مفاد ماده 43 آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مغایرتی با مفاد ماده 11 قانون رسیدگی به تخلفات اداری ندارد (ماده 11 قانون).

- آیین‌نامه حضور و غیاب کارکنان دولت مبنی بر کسر حقوق و فوق‌العاده شغل و عناوین مشابه به میزان کل ساعات تأخیر کارمند متخلف از حیث تأخیر در ورود یا تعجیل در خروج از محل خدمت مغایرتی با قانون ندارد (ماده 12 قانون).

4- مقامات مصرح در ماده ۱۲ قانون اختیار اعمال مجازات‌های مقرر در بندهای الف-ب-ج-د ماده 9 را دارند؛ لکن تنزل مقام و گروه منحصراً در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری قرار دارد (ماده 12 قانون).

5- غیبت مستخدم دولت که تحقق آن مستند به اختیار و فعل وی نبوده و ناشی از علل و جهاتی است که صرفاً خارج از حیطه اراده و اختیار اوست، از مصادیق غیبت غیرموجه قلمداد نمی‌شود (ماده 17 قانون).

- هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری موظف است که به اعتراض مستخدم رسمی نسبت به ابلاغ حکم اخراج از خدمت از جمله در خصوص مجازات غیبت غیرموجه متوالی یا متناوب رسیدگی نماید (ماده 17 قانون).

¹- نظریه شماره 1869/96/7 مورخ 1396/8/8 اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

²- نظریه شماره 924/95/7 مورخ 1395/4/22 اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

فصل چهارم - سایر مقررات

گفتار اول - دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری (ماده 18 قانون)

1- رسیدگی به شکایت استخدامی کارگران شاغل در شرکت‌های دولتی به طرفیت کارفرما در صلاحیت مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما قرار دارد.

شماره دادنامه: 130/71 تاریخ: ۱۳۷۱/۶/۲۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای نصیر برومند

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب 11 و 18 دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه خدمت در شرکت دولتی الزاماً متضمن تبعیت و برخورداری از مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی و خروج از قلمرو قانون کار نیست و کارگران شاغل در شرکت‌های دولتی با عنایت به ماده 3 مقررات استخدام شرکت‌های دولتی^۱ مصوب 1352/3/5 و نصوص مشابه دیگر و تعریف کارگر، کماکان مشمول قانون کار می‌باشند و رسیدگی به شکایت استخدا می آنان به طرفیت کارفرما در صلاحیت مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما قرار دارد دادنامه شماره 62 مورخ 70/2/8 شعبه یازده دیوان که مشعر بر عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به قضیه مطروحه است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده میشود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری مصوب چهارم بهمن ماه 1360 برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

2- با عنایت به مدلول رأی شماره 148 مورخ 76/10/6 هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری شامل کلیه کارمندان شرکت‌های دولتی می‌شود.

3- رسیدگی به مطلق تخلفات اداری کارکنان شاغل در بانک‌ها به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری محول شده و مجازات‌های اداری نیز در ماده 9 این قانون معین گردیده است.

¹ - ماده 3 مقررات استخدام شرکت‌های دولتی: افرادی که برای مشاغل کارگری استخدام شده یا بشوند؛ تابع مقررات قانون کار خواهند بود. تعیین مشاغل کارگری به عهده شرکت و تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور می‌باشد.

۴- رسیدگی به شکایت اشخاص از تصمیمات و اقدامات و ترک فعل شرکت ملی انبارهای عمومی و خدمات گمرکی از انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی اداری و اجرائی مربوط در قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد.

۵- در رسیدگی به شکایات اشخاص به خواسته نقض آراء کمیته‌های انضباطی بانک‌های صادرات ایران و ملت، شعب دیوان عدالت اداری صلاحیت ندارند.

۶- با واگذاری بیش از 50 درصد سهام بانک ملت به بخش غیردولتی، ماهیت دولتی آن زایل شده است.

۷- رسیدگی به تخلفات اداری اعضای هیأت علمی شاغل در پست‌های مدیریتی و اجرایی در صلاحیت هیأت رسیدگی به تخلفات اداری دستگاه اجرایی محل خدمت بوده که حسب قانون رسیدگی به تخلفات اداری به اتهامات آنها رسیدگی خواهد شد.

گفتار دوم- رسیدگی به تخلفات اداری دارای وصف مجرمانه(ماده 19 قانون)

۱- رسیدگی در مراجع قضایی مانع از رسیدگی در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نیست و صدور احکام تبرئه از ناحیه مراجع قضایی، ارتباطی با عنوان تخلفات اداری موضوع صلاحیت هیأت‌های مزبور ندارد.

شماره دادنامه: 98/71 تاریخ: ۱۳۷۱ /۶/۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: خانم مینا نسودی

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و ششم دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه بر اساس ماده 1 و 4 قانون رسیدگی به تخلفات اداری^۱

^۲- مواد ۴ و ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۵:

ماده 1 - به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون هیأت‌های تحت عنوان هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تشکیل خواهد شد. هیأت‌های مزبور شامل هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر می‌باشد.

ماده 4 - صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیأت بدوی است و آراء صادره در صورتی که قابل تجدیدنظر نباشد، از تاریخ ابلاغ قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. در مورد آرای که قابل تجدیدنظر است؛ هرگاه کارمند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی، درخواست تجدیدنظر نماید؛ هیأت تجدیدنظر مکلف به رسیدگی خواهد بود. آراء هیأت تجدیدنظر از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم‌الاجرا است.

رسیدگی به کلیه تخلفات اداری کارمند به جز تخلفات مذکور در بند 23 و 24 ماده 9 قانون^۱ در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد و قسمت اخیر ماده 25 قانون^۲ فوق‌الذکر نیز به صراحت بیان داشته است رسیدگی در مراجع قضایی، مانع رسیدگی اداری نخواهد بود و با عنایت به اینکه، صدور احکام تبریته از ناحیه مراجع قضایی در خصوص جرایم مذکور در ماده 25 قانون فوق، ناظر به جنبه‌های کیفری و جزایی است و ارتباطی به عنوان تخلفات اداری که رسیدگی به آن در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد، ندارد؛ بنابراین، دادنامه شماره 888-70/10/30 صادره از شعبه ششم دیوان که متضمن این معنی است مطابق با اصول و موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی وفق ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذی‌ربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع می‌باشد.

توضیحات

1- ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مواردی را شامل می‌شود که عمل ارتكابی توأمأ دارای دو عنوان تخلف اداری و جرم باشد که در این صورت، مطابق ماده مذکور، هیأت‌ها باید به تخلف اداری کارمند رسیدگی و متناسب با تخلف و با لحاظ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مجازات مقتضی را در مورد کارمند اعمال نمایند و لزومی ندارد که این امر را به اعلام جرم به مرجع قضایی و صدور رأی از ناحیه آن موکول نمایند.^۳

2- رسیدگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمند، ملازمه با رسیدگی و صدور حکم از ناحیه دادگاه در خصوص اتهام انتسابی به وی ندارد؛^۴ بنابراین، هیأت رسیدگی‌کننده می‌تواند بر اساس اسناد و مدارکی که در اختیار دارد؛ راساً پرونده اتهامی را رسیدگی کند و رأی مقتضی صادر نماید و الزامی ندارد منتظر نتیجه رسیدگی در مراجع قضایی باشد.^۵

2- هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، مکلف به رسیدگی مجدد پرونده کارمندی است که تخلف آنان، علاوه بر جنبه اداری، واجد عنوان جرم بوده و پس از رسیدگی مراجع قضایی، رأی بر برائت آنان صادر شده است.

³ - بندهای ۲۳ و ۲۴ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۵: ماده ۹- تخلفات اداری به قرار زیر است: ... ۲۳- کارشکنی،

شایعه‌پراکنی و شرکت در تحصن‌ها، تظاهرات و اعتصابات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی و یا فردی برای تحصیل مقاصد یا به‌دست‌آوردن امتیازات غیرقانونی.

۲۴- تحریک در ایجاد تحصن‌ها، اعتصابات و تظاهرات غیرقانونی و یا وادار ساختن دیگران به کارشکنی یا کم‌کاری یا ایراد خسارت به اموال دولتی.

⁴ - ماده ۲۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۶۵: هرگاه تخلف کارمند، عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته

باشد؛ هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است پرونده امر را به مراجع قضایی ارسال دارد و رسیدگی در مرجع قضایی مانع رسیدگی اداری نخواهد بود.

³ - نکوبی، پیشین، ص 274.

⁴ - نظریه شماره 7/3157 - 1387/05/23 اداره حقوقی قوه قضاییه .

⁵ - دبیرخانه هیأت عالی نظارت، پیشین، ص 10.

3- با صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت کیفری مستخدم دولت به انفصال دائم از خدمات دولتی در مراجع قضایی، رابطه استخدامی وی با واحد دولتی متبوع قطع می‌شود.

4- مستند به ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری تصمیم قضایی مراجع دادگستری مانع از اعمال مجازات اداری نیست.

5- هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری صرف‌نظر از تعقیب مستخدم متهم در مراجع کیفری، مکلف به رسیدگی و تعیین تکلیف خطای اداری مستخدم هستند و به فرض صدور حکم برائت متهم در مراجع قضایی، ملزم به رعایت مادتين 19 و 24 قانون مزبور می‌باشند.

6- درخواست شاکی مبنی بر رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به استناد حکم برائت قطعی صادره از مراجع قضایی با توجه به مدلول مادتين 19 و 24 قانون رسیدگی به تخلفات اداری واجد اوصاف امر مختوم نیست.

7- صدور حکم برائت توسط مراجع قضایی الزاماً مستلزم صدور رأی برائت توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در خصوص مورد نیست.

8- ادامه رسیدگی به تخلفات انضباطی دارای عنوان مجرمانه کارکنان نیروی انتظامی در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات انضباطی در فرض صدور قرار منع تعقیب یا رأی برائت از سوی مراجع قضایی

گفتار سوم - حقوق دوران عدم اشتغال (ماده 20 قانون)

1- حکم به عدم محکومیت و اعاده به کار کارمند از سوی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به دلیل عدم پیش‌بینی مجازات، مآلاً برائت تلقی می‌شود.

شماره دادنامه: 120/68 تاریخ دادنامه: ۱۳۸۴/۱۲/۱۳۶۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آموزش و پرورش گیلان

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب هفتم و پانزدهم دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه هیأت تجدیدنظر مرکزی رسیدگی به تخلفات اداری شعبه 2 وزارت آموزش و پرورش که در زمان حاکمیت قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 62/12/18، به تجویز ماده 24 آیین‌نامه اجرایی آن، کارمند متهم را متخلف تشخیص نداده، و در

رأی صادره، تصریح نموده است: «چون برای موارد یادشده بالا قانون مذکور، مجازاتی پیش‌بینی نشده، لذا به اتفاق آراء، رأی شورای پاکسازی را مبنی بر انفصال دائم نقض و ایشان را اعاده به کار می‌نماید. با بررسی آراء متعارض دادنامه شماره 274-64/7/22 که به دلیل عدم محکومیت و اعاده به کار کارمند مذکور، به موجب رأی شماره 232-63/10/10 هیأت تجدیدنظر شعبه 15، دیوان آن را برائت وی تلقی نموده است؛ هیأت عمومی بر اساس آنکه قید و ذکر کلمه برائت موضوعیت نداشته، آن دادنامه را موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده است. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری، و موارد مشابه برای شعب دیوان، و سایر مراجع مربوطه، لازماً اتباع است.

2- حقوق ایام انفصال به کارمندان بازنشسته‌ای که پرونده آنان در هیأت‌های پاکسازی و بازسازی سابق مطرح و در رسیدگی مجدد هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری منجر به برائت آنان نگردیده است، تعلق نمی‌گیرد.

3- پرداخت حقوق و مزایای ایام تعلیق موضوع ماده 7 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری با صدور حکم برائت از اتهام منتسب، قانونی است.

4- مفاد رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر لزوم اعاده شاکي به خدمت و عدم محکومیت او به تحمل مجازات‌های اداری، محمول بر برائت و ترتب آثار استخدامی مربوط به برائت است.

5- در صورت محکومیت مستخدم متخلف به یکی از مجازات‌های اداری، پرداخت حقوق مینا و یا عنوان مشابه به او برای مدت عدم اشتغال به جهت تحت تعقیب اداری قرار داشتن، جواز قانونی ندارد.

گفتار چهارم - شکایت از آراء هیأت‌ها در دیوان عدالت اداری (ماده 21 قانون)

1- آراء غیرقطعی هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری در صورت عدم تقاضای تجدیدنظر نسبت به آنها در مهلت قانونی و از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض به هیأت تجدیدنظر قطعی محسوب می‌شود، حکم مقرر در ماده مذکور شامل این قبیل آراء نیز می‌باشد.

شماره دادنامه: ۱۷۴ تاریخ: ۱۳۷۱/۸/۱۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: مدیرکل هماهنگی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش

موضوع: اعلام تعارض آراء صادره از شعب اول و هفتم دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده 28 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 65/12/25^۱ «در صورتی که متهم به آراء قطعی صادره توسط هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری اعتراض داشته باشد؛ می‌تواند حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ به دیوان عدالت اداری شکایت نماید؛ در غیر این صورت، رأی؛ قابل رسیدگی در دیوان نخواهد بود.» نظر به اینکه آراء غیرقطعی هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری در صورت عدم تقاضای تجدیدنظر نسبت به آنها در مهلت قانونی و از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض به هیأت تجدیدنظر (قطعی) محسوب می‌شود؛ حکم مقرر در ماده مذکور شامل این قبیل آراء نیز می‌باشد؛ بنابراین، دادنامه شماره 692 مورخ 70/12/30 شعبه هفتم دیوان عدالت اداری در پرونده کلاسه 537/70 که مبین این معنی است، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت آخر ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

توضیحات

آراء قطعی صادره از هیأت بدوی یا آراء قابل تجدیدنظر صادره از هیأت بدوی که به دلیل عدم تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر قطعیت یافته و نیز کلیه آراء صادره از هیأت تجدیدنظر به دلیل قطعی بودن آنها، در دیوان عدالت اداری قابل شکایت هستند. به موجب تبصره 2 ماده ۱۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، از زمان تصویب این قانون، مهلت تقدیم دادخواست، راجع به موارد موضوع بند (2) ماده (10) این قانون، برای اشخاص داخل کشور، سه ماه و برای افراد مقیم خارج از کشور، شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا تصمیم قطعی مرجع مربوط، مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) است.

۲- تهیه و ارسال پاسخ به دادخواست‌های تقدیمی به دیوان به خواسته نقض آراء هیأت‌ها توسط واحدهای دولتی به طور مستقیم و یا غیرمستقیم، بلامانع و امکان‌پذیر است.

گفتار پنجم - هیأت عالی نظارت (ماده 22 قانون)

1- وضع قاعده امره در باب ضرورت رسیدگی به تخلفات اداری و صدور رأی در مدت معین و محدود و آثار مترتب بر تخطی از آن اختیارات، خاص قانونگذار و یا مأذون از قبل مقنن بوده و از حدود اختیارات هیأت عالی نظارت خارج است.

شماره دادنامه: 204/80 تاریخ دادنامه: 138۰ /۶/۲۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای غلامرضا سلامی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1378/8/4 هیأت عالی نظارت قانون رسیدگی به تخلفات اداری

رأی هیأت عمومی

³- در حال حاضر ماده ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲.

هرچند هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری موظفند به تخلفات اداری مستخدمین دولت و تعیین تکلیف آنان به فوریت و در حداقل زمان ممکن رسیدگی و رأی مقتضی صادر کنند و به شرح ماده 22 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب آذر ماه 1372، در صورت احراز هر یک از موارد مندرج در ماده مذکور از جمله کم‌کاری و سهل‌انگاری هیأت‌ها در امر رسیدگی و صدور رأی، حسب مورد ابطال تمام یا بعضی از آراء صادره و یا انحلال هیأت‌های مزبور توسط هیأت‌عالی تجویز شده است؛ لیکن تعیین مدت معین و محدود علاوه بر اینکه همواره متضمن رعایت دقت در رسیدگی و صدور رأی مبتنی بر مقررات قانونی نمی‌باشد و انتساب سهل‌انگاری به اعضاء هیأت‌های مذکور و یا قابلیت نقض و ابطال آراء آنها منحصراً به لحاظ عدم صدور رأی در مدت معین بدون توجه قصور یا تقصیر موقعیت قانونی ندارد؛ اساساً وضع قاعده آمره در باب ضرورت رسیدگی به تخلفات اداری و صدور رأی در مدت معین و محدود و آثار مترتب بر تخطی از آن اختیارات خاص قانونگذار و یا مأذون از قبل مقنن بوده و از حدود اختیارات هیأت عالی نظارت خارج است؛ بنابراین، ماده 33 و تبصره‌های 1 و 2 آن ماده¹ و همچنین بند (ز) ماده 46 دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری² مصوب 1378/8/4 هیأت عالی نظارت مستنداً به قسمت دوم ماده 25 قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

توضیحات

۱- با عنایت به اینکه در ماده 22 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372 تصریح شده است، هیأت عالی نظارت می‌تواند در مورد کلیه احکامی که در اجرای این قانون و مقررات مشابه صادر شده یا می‌شود، بررسی و اتخاذ تصمیم نماید و با توجه به عموم و اطلاق اختیارات هیأت عالی نظارت در مقام اتخاذ تصمیم به شرح فوق و اینکه اختیارات هیأت عالی نظارت در مقام بررسی احکام موردنظر در قانون به رسیدگی شکلی مقید نشده است، هیأت نامبرده می‌تواند پس از ابطال آراء هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد، حکم برائت یا محکومیت صادر کند.³

۲- شناسایی اختیار صدور حکم توسط هیأت عالی نظارت با مقررات حاکم در زمینه رسیدگی به تخلفات اداری منافات داشته و مشکلات متعددی را در زمینه اجرای رأی، اعتراض به رأی و حق دفاع متهم در جریان رسیدگی هیأت عالی نظارت به دنبال خواهد داشت؛ در حالی که شناسایی چنین اختیاری، مستلزم پیش‌بینی آن در قانون و از اختیارات خاص قانون‌گذار یا مقید به اذن از قبل قانون‌گذار می‌باشد تا در ضمن آن، تشریفات مربوط به رسیدگی و صدور حکم توسط هیأت عالی نظارت و مراحل اجراء و اعتراض و سایر موضوعات مرتبط مورد پیش‌بینی

1 - ماده 33 دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری و تبصره‌های 1 و 2 آن : ماده 33: حداکثر مدت رسیدگی هر هیأت به پرونده متهم از تاریخ ارجاع یا وصول پرونده یا اعلام اتهام تا زمان صدور رأی سه‌ماه می‌باشد و هیأت‌ها موظفند ترتیبات لازم را در این زمینه اتخاذ نمایند. تبصره 1: در موارد خاص که رسیدگی نیازمند مدت بیشتری باشد، حداکثر یک ماه به مهلت مقرر در این ماده افزوده می‌گردد؛ لکن در این قبیل موارد، مراتب و ادله لازم باید حسب مورد به اطلاع نماینده موضوع ماده 34 آیین‌نامه اجرایی برسد.

تبصره 2: عدم رسیدگی هیأت‌ها در مهلت مقرر، سهل‌انگاری محسوب‌شده و موضوع بر اساس ماه 22 قانون، قابل پیگیری خواهد بود.

2 - ماده 46 دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری: نقض یا ابطال آراء قطعی هیأت‌ها در موارد زیر متصور است: ... ز - رأی هیأت در خارج از مواعد و مهلت مقرر صادر شده باشد.

3 - نظریه شماره 7/2512 مورخ 19/04/1386 اداره حقوقی قوه قضاییه.

قرارگیرد. به هرحال، هیأت عالی نظارت که وظیفه و نقش نظارتی دارد، می‌تواند در صورت مشاهده تخلف و عدم رعایت قانون توسط هیأت‌های رسیدگی‌کننده، آن‌ها را منحل یا آراء آن‌ها را ابطال و نقض کند و صلاحیت صدور حکم ندارد.^۱

2- ابطال قسمت اخیر تبصره یک ماده 19 دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری مصوب هیأت عالی نظارت

۳- ایراد سازمان بازرسی مبنی بر اینکه حق تجدیدنظرخواهی آن سازمان به دلیل وجود مصوبه هیأت عالی نظارت محدود شده، موضوعیت ندارد.

4- ابطال تبصره ماده 37 آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری

گفتار ششم - تشدید مجازات (ماده 23 قانون)

1- تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر در صورت شکایت شاکی پرونده از رأی مستند قانونی ندارد

شماره دادنامه: ۷/۶۴ تاریخ دادنامه: ۱۳۶۴/۳/۱۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده: آقای الیاس اسدالهی

موضوع: اعلام تعارض آراء 587-586-62/8/8 شعبه ششم و 1319/63-63/11/18 شعبه هفتم از لحاظ تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظر هیأت‌های بازسازی نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه هیأت‌های تجدیدنظر بازسازی منحصراً بنا به تقاضا و اعتراض محکوم‌علیهما نسبت به آراء هیأت‌های بدوی بازسازی و پاکسازی رسیدگی نموده، بدون آنکه موضوع رسیدگی از مصادیق ماده 44 قانون بازسازی^۲ باشد، تشدید مجازات در این مرحله با وصف مرقوم و نبودن مجوز قانونی دیگر در این زمینه و عنایت به عمومات و کلیاتی که در حقوق جزایی دو مرحله تجدیدنظر ملحوظ می‌باشد، مستند قانونی نداشته است و لذا دادنامه شعبه ششم دیوان که بر این منوال صادر گردیده با اکثریت آراء، موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی، حکم قسمت اخیر ماده 20 قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

⁴ - نکویی، پیشین، ص ۳۱۷.

¹ - ماده ۴۴ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۶۰/۷/۵ تشدید مجازات مرتکب در صورت تکرار و یا ادامه جرم و یا ارتکاب جرائم دیگر مذکور در این قانون با توجه به کیفرهای تعیین شده در این قانون به عهده هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر خواهد بود.

2- تشدید مجازات شاکی، در مقام تجدیدنظرخواهی، موقعیت قانونی ندارد.

3- اعمال مجازات شدیدتر نسبت به آراء غیرقطعی هیأت‌های بدوی یا آراء نقض شده توسط دیوان عدالت اداری با توجه به مستندات جدید بالامانع است.

4- تشدید مجازات متخلف معترض به رأی جواز قانونی ندارد

گفتار هفتم - اصلاح یا تغییر رأی هیأت‌ها (ماده 24 قانون)

1- درخواست شاکی مبنی بر رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به استناد حکم برائت قطعی صادره از مراجع قضایی با توجه به مدلول مادتين 19 و 24 قانون رسیدگی به تخلفات اداری واجد اوصاف امر مختوم نیست

شماره دادنامه: ۱۰ تاریخ رأی: 20 / ۱ / 1385

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: مستشار (سابق) شعبه نهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

موضوع: نقض رأی صادره در پرونده کلاسه ت 1405/82/9 شعبه نهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری

رأی هیأت عمومی

با عنایت به مشروحه آقای مستشار شعبه نهم تجدیدنظر دیوان و اینکه مبانی و مستندات اعتراض شاکی نسبت به رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، موضوع اخراج از خدمت به لحاظ ارتکاب اختلاس به شرح پرونده کلاسه 564/80 شعبه شانزدهم دیوان با مبانی و مستندات نامبرده در پرونده کلاسه 1957/82 آن شعبه متفاوت بوده و در پرونده اخیرالذکر شاکی به استناد حکم قطعی صادره از مراجع ذیصلاح مشعر بر برائت او از ارتکاب بزه اختلاس، خواستار رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به رأی قطعی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری گردیده است که با توجه به مراتب فوق‌الذکر و مدلول مادتين 19 و 24 قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372 موضوع پرونده اخیرالذکر، واجد اوصاف امر مختوم نبوده و صدور قرار رد دادخواست نامبرده به عنوان اعتبار قضیه محکوم‌بها به شرح دادنامه بدوی و تایید آن به موجب دادنامه شماره 1776 مورخ 1382/12/16 در پرونده کلاسه 1405/82 شعبه نهم تجدیدنظر دیوان محمول بر اشتباه بوده است؛ لذا دادنامه اخیرالذکر به استناد تبصره‌های یک و 3 الحاقی به ماده 18 قانون دیوان عدالت اداری نقض می‌شود و پرونده جهت ارجاع به شعبه تجدیدنظر هم‌عرض به دفتر ریاست کل دیوان ارسال می‌گردد /.

توضیحات

1- به توضیحات ذیل بند 6 از گفتار دوم فصل چهارم این مجموعه مربوط به دادنامه فوق‌الذکر رجوع شود.

2- اگر رأی مورد درخواست تغییر یا اصلاح قبلاً در دیوان عدالت اداری با اعتراض شاکی مورد رسیدگی قرار گرفته و دیوان عدالت اداری به موجب رأی صادره، شکایت شاکی را وارد نداشته باشد؛ در این حالت تصمیم هیأت صادرکننده رأی مبنی بر تغییر یا اصلاح رأی صادره با تأیید هیأت عالی نظارت با حکم دیوان عدالت اداری تعارض پیدا نمی‌کند و تصمیم هیأت عالی نظارت مبنی بر تغییر یا اصلاح رأی صادره و در نتیجه، نقض رأی توسط آن هیأت، نقض احکام قطعی دیوان عدالت اداری محسوب نمی‌شود.^۱

ضمایم

1- قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی

فصل اول - تشکیلات و حدود و وظایف

ماده ۱ - به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون، هیأت‌های تحت عنوان هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تشکیل خواهد شد. هیأت‌های مزبور شامل هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر می‌باشد.

تبصره ۱ - هیأت تجدیدنظر در مرکز وزارتخانه یا سازمان مستقل دولتی و نیز تعدادی از دستگاه‌های مشمول این قانون که فهرست آنها به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، تشکیل می‌شود و در صورت لزوم، دارای شعبه‌هایی خواهد بود.

تبصره ۲ - در صورت تشخیص هیأت عالی نظارت، یک هیأت تجدیدنظر در مرکز برخی از استان‌ها که ضرورت ایجاب نماید، تشکیل می‌گردد.

ماده ۲ - هر یک از هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر دارای سه عضو اصلی و یک یا دو عضو علی‌البدل می‌باشد که با حکم وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی مربوط و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ماده یک برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتصاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره ۱ - در غیاب اعضای اصلی، اعضای علی‌البدل به جای آنان انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره ۲ - هیچ یک از اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت‌های بدوی یک دستگاه نمی‌توانند همزمان عضو هیأت تجدیدنظر همان دستگاه باشند؛ همچنین، اعضای مذکور نمی‌توانند در تجدیدنظر پرونده‌هایی که در هنگام رسیدگی بدوی به آن رأی داده‌اند، شرکت نمایند.

ماده ۳ - برکناری اعضای هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر با پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ و تصویب هیأت عالی نظارت صورت می‌گیرد.

² - نظریه شماره 7/8534 - 1381/10/08 اداره حقوقی قوه قضاییه

ماده ۴ - صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیأت بدوی است و آراء صادره در صورتی که قابل تجدیدنظر نباشد از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم‌الاجراء است. در مورد آرای که قابل تجدیدنظر باشد؛ هرگاه کارمند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی، درخواست تجدیدنظر نماید؛ هیأت تجدیدنظر مکلف به رسیدگی است. آرای هیأت تجدیدنظر از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم‌الاجرا است.

فصل دوم - تخلفات اداری

ماده ۸ - تخلفات اداری به قرار زیر است:

- ۱ - اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری
- ۲ - نقض قوانین و مقررات مربوط
- ۳ - ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل
- ۴ - ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت
- ۵ - اخاذی
- ۶ - اختلاس
- ۷ - تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیراداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص
- ۸ - ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری
- ۹ - تکرار در تأخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز
- ۱۰ - تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی، ایراد خسارات به اموال دولتی

فصل سوم - مجازات‌ها

ماده ۹ - تنبیهات اداری به ترتیب زیر عبارتند از:

- الف - اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی
 - ب - توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی
 - ج - کسر حقوق و فوق‌العاده شغل یا عنوانین مشابه حداکثر تا [یک سوم از یک ماه] تا یک سال
 - د - انفصال موقت از یک ماه تا یک سال
 - ه - تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال
- و - تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی در دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون

فصل چهارم - سایر مقررات

ضمایم

قانون رسیدگی به تخلفات اداری

آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری

دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری

آیین‌نامه هیأت عالی نظارت